

## رسانه از دیدگاه مک لوهان

عبدالله رضوانی<sup>۱</sup>

### چکیده

محور بحث در راستای موضوع «رسانه از دیدگاه مک لوهان» مطالبی منسجم و مفید در این نوشتار موردبررسی قرار گرفته است، به طور کلی می توان گفت که: رسانه در اندیشه مک لوهان مبتنی بر ذاتی بودن پیام رسانه است.

عوامل تأثیرگذار در اندیشه مک لوهان نسبت به رسانه این است که رسانه خوب و ممتاز زمانی برای مخاطبان شکل می گیرد که از این ویژگی (ذاتی بودن پیام و رسانه) برخوردار باشد، البته این ویژگی ها در لایه لای نظرات مک لوهان به کرات موردتوجه قرار گرفته، مثلاً؛ مک لوهان تصریح می کند که رسانه و پیام جهان را به اندازه کوچک نموده که مانند یک دهکده جهانی قابل تصور است که اخبار را از یک رویداد در کمترین زمان ممکن به تمام نقاط جهان مخابره می کند.

اما معیار کلی و مشترک از منظر اندیشمندان به این فن این است که رسانه بتواند رویدادها اطلاعات را به سرعت، دقت و مطابق با واقع در اختیار مخاطبان قرار دهد.

نکته ای قابل توجه اینکه تا یک مدت زمانی خاص، نظریه مک لوهان موردپسند مردم، و اندیشمندان را اقناع می کرد، ولی امروزه صاحب نظران اندیشه ای مک لوهان را نقد نموده و ایرادهای اساسی بر این اندیشه ارائه داده و نظرات او را دور از واقعیت جلوه داده. البته نظرات جدید مبتنی بر جدایی رسانه از پیام است که این نظریه را با دلایل متقن و خدشه ناپذیر اثبات نموده است و درستی و صحت آن را به مرحله یقین رسانده است؛ بنابراین حوزه ارتباط مک لوهان با دیگر صاحب نظران در دو مسیر کاملاً متفاوت و متمایز از همدیگر قرار گرفته، چنانچه در این نوشتار به تفصیل به آن پرداخته شده است.

**کلیدواژه ها:** پیام خود رسانه است، دهکده جهانی، عصر ارتباط شفاهی، عصر ارتباط چاپی، رسانه گرم و سرد.

---

۱. کارشناس ارشد دین و رسانه.

## مقدمه

این مطلب بر هیچ کس پوشیده نیست که حوادث و رویدادها و عوامل که خارج از ما ست اندیشه و افکار ما متأثر از آن هستند و هویدا ست یکی از آن عوامل امروزه رسانه‌ها نقش اساسی در زندگی ما دارد به بیان دیگر امروزه در جهان یکی از عوامل جامعه‌پذیری که از اهمیت بالایی برخوردارند و به طور مداوم و مستمر و مؤثر بر کسی تأثیر می‌گذارد رسانه‌هاست که مک‌لوهان معتقد است این رسانه‌هاست امروز به عنوان ناجی بشریت وجود دارد او بر این باور است که ابتدا انسان‌ها رسانه را ساخته و سپس رسانه‌ها هستند که انسان‌ها را می‌سازند به عقیده او نوع بشر به بهشتی زمینی هدایت شده با استفاده از ابزار ساخته‌ای دست خویشتن را از رنج جسمانی آزاد می‌کند به اعتقاد او فناوری منبعث از ذهن و عمل انسان است ولی انسانی هر عصر دوره‌ای خود زاینده تکنولوژی زمان خویش است این خود حاکی از تأثیرپذیری اندیشه مک‌لوهان از رسانه‌هاست کما اینکه او به صراحت اعتراف می‌کند این رسانه هستند که انسان‌ها را می‌سازد البته با توجه به گستردگی نقش رسانه‌های جمعی در جهان معاصر و کارکرد ویژه آن‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی می‌توان ادعا کرد تاجای حق با اوست در قسمت تأثیر رسانه‌ها بر افکار عموم بشر تأثیر وسایل ارتباط جمعی و جذابیت و خصوصیت اجتماعی بودن آن است همچنین قابلیت نفوذ رسانه‌ها بسیار شدید است به همین دلیل رسانه‌های امروزه در بنیان‌های خانوادگی ریشه دواند و به شدت در چگونگی گذراندن زندگی روزمره مردم اثر گذاشته است این نفوذ به حدی است که مردم اوقات فراغت صرف شام و ناهار و یا استراحت روزانه خود را طبق برنامه‌های تدوین‌شده رسانه‌ها تنظیم می‌کنند حتی باعث از بین رفتن انسان‌ها و نیز باعث رواج خشونت‌آمیز و جریحه‌دار کردن عواطف کودکان و تسخیر ذهنی کودکان و بی‌تفاوت کردن کودکان و نوجوانان نسبت به دردها و رنج‌های انسانی و رواج رفتارهای ضداجتماعی از طریق مشاهده و یادگیری توسط کودکان و نادیده گرفتن قیدوبند اجتماعی می‌شود البته سخن در

این زمینه بسیار است.

## رسانه از دیدگاه مک لوهان

اساساً شناخت اهمیت هر چیز علمی و نظری منوط و درگرو شناخت تعریف آن چیز است بنابراین؛ تعریف رسانه لازم و ضروری است.

### تعریف رسانه از حیث لغت

واژه رسانه در لغت این گونه معنا می شود «هر وسیله ای که مطالب یا خبری را به اطلاع مردم برساند مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه». (اصحاب حبیب زاده ملکی، رسانه شناسی، ۱۳۹۴: ۲۱)

### رسانه از حیث اصطلاح

در اصطلاح رسانه را این گونه تعریف نموده است که: «هریک از قالب های بیان یا ارتباط هنری مثل نقاشی، تئاتر، هنر گرافیک، سینما و مانند این ها را رسانه گویند». (اصحاب حبیب زاده ملکی، همان: ۲۱)

### پیام، خود رسانه است

مک لوهان معتقد است که پیام خود رسانه است او کلامش را این گونه آغاز می کند، مردم کشورهای غربی مدت مدیدی که آموخته اند برای تسلط بر آنچه در اطرافشان می گذرد، می باید آن ها را به اجزای کوچک تری تقسیم و تفکیک کنند. به همین دلیل شاید یادآوری این مطلب تعجب آور باشد که بگوییم در حقیقت و در عمل پیام واقعی، عبارت از خود وسیله پیام رسانی یا رسانه است، یا به عبارت ساده تر تأثیر یک رسانه بر افراد یا جامعه به میزان شدت تغییرات در مقیاس ها و معیارهایی بستگی دارد که هر فن آوری جدید یا هر امتدادی از وجود، در زندگی روزمره پدید می آورند.

به این بیان از ظاهر این جمله «پیام خود رسانه است» استفاده می شود که پیام از لوازم

ذاتی رسانه است؛ یعنی هر رسانه از آثار تکوینی آن پیام است، پیام از رسانه قابل انفکاک نیست. لازم شئی لاینفک عن الملزوم، لذا ایشان معروف به ذات‌گرا است یعنی ذات رسانه پیام دارد برخلاف برخی دانشمندان البته ایشان پا را فراتر می‌گذارد می‌گوید «در حقیقت و در عمل پیام واقعی عبارت از خود وسیله پیام‌رسانی یا رسانه است» (مک لوهان، برای درک رسانه، ۱۳۷۷: ۰۵) یعنی اصالت از آن وسیله نه پیام.

ایشان معتقد است که تغییر وضع و سایل ارتباطی را شرط اصلی و عامل تحولات زندگی اجتماعی و گذر از یک مرحله به مرحله دیگر معرفی می‌کند.

### نقش تأثیر ارتباط و تکنولوژی

مک لوهان معتقد است اگرچه تکنولوژی منبعث از ذهن عمل انسان است، ولی انسان هر عصر و دوره‌ای، خود زائیده تکنولوژی زمان خویش است به عبارت دیگر، هر تکنولوژی بشر را به تدریج در فضای تازه‌ای قرار می‌دهد و هر فضای تازه، عاملی تعیین‌کننده در سرنوشت و زندگی بشر به شمار می‌رود.

او «تکنولوژی را کم‌دی الهی می‌خواند. به اعتقاد، او نوع بشر به بهشتی زمینی هدایت شده که با استفاده از ابزارهای ساخت دست خود، خویشتن را از رنج جسمانی آزاد می‌کند. مک لوهان در ده ۱۹۶۰ به‌ویژه از تلویزیون به عنوان رسانه‌ای هوشمند یاد می‌کند و همچون اسقف‌های اعظم، این رسانه را غسل تعمید می‌دهد. او تلویزیون را پرستشگاه و امواج آن را بشارت الکترونیک نام می‌نهد. او از آگاهی ژرف و تازه دهه خبر می‌دهد و این رسانه کمابیش تازه را مروج آن می‌خواند. به پندار او، رسانه تازه، همه این شئون را به نظم و ایمان تبدیل می‌کند.» (سید محمد دادگران، مبانی ارتباطات جمعی، ۱۳۸۳: ۹۰).

مک لوهان مثال را برای درک بهتر مطلب، روشنائی برق را مثال می‌زند و می‌گوید: نیروی روشنائی بخش برق، این نیرو، خواه طی یک عمل جراحی ظریف بروی اعصاب مورد استفاده قرار گیرد و یا برای روشن ساختن یک زمین ورزش بیس بال تفاوتی نمی‌کند

چراکه این استفاده‌های مختلف را می‌تواند به نحو محتوای روشنائی الکترونیکی تلقی کرد و بدون وجود این نیرو در حقیقت آن‌ها نیز معنا ندارند. پس باز می‌توانیم فکر اصلی خود را ابراز کنیم که «پیام همان رسانه است» زیرا یک رسانه می‌تواند سبک روابط انسانی را شکل دهد و معیارهای عملکردهای موجود در این رابط را مشخص کند بی‌آنکه محتوای یا نحوه استفاده از آن بتواند تأثیری بر طبیعت روابط انسانی بگذارد...

مک لوهان عامل اساسی تحولات تاریخی و اجتماعی را نظام‌های ارتباطی و نوع رسانه در انتقال پیام می‌داند. به نظر او، عامل اول یعنی نظام ارتباطی، تعیین‌کننده عامل دوم یعنی محتوای پیام است. او مبانی اساسی نظریه خود را در یک جمله بیان می‌کند: رسانه پیام است. (محمد مهدی زاده، نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، ۱۳۸۹: ۲۵)

## نقد مک لوهان

۱. او سپس نسبت به برخی از دانشمندان که روشنائی برق را به‌عنوان یک رسانه ارتباطی در نظر نمی‌گیرند موردنقد و اشکال قرار می‌دهد می‌گوید: اگر بعضی‌ها روشنائی برق را به‌عنوان یک رسانه ارتباطی در نظر نمی‌گیرند دقیقاً به این دلیل است که محتوایی ندارد و به همین دلیل باید این بی‌توجهی را مثال بارزی از یک اشتباه بزرگ دانست که آن‌ها اغلب در طول مطالعات‌شان درباره رسانه‌ها مرتکب می‌شوند از نظر این افراد روشنائی برق زمانی به‌عنوان رسانه تلقی می‌شود که نامی تجارتي را نشان دهد اما در این حالت باید گفت این روشنائی نیست که توجه برانگیز است بلکه محتوا یعنی نام تجارتي برای آن‌ها جالب است که آن‌هم رسانه دیگر است و ایشان معتقد است که پیام‌ها متفاوت نیست بلکه کاربرد آن‌ها متفاوت است می‌گوید: «در پیام روشنائی برق همانند پیام انرژی الکترونیکی است و تنها از نظر کاربردی تفاوت‌هایی دارند ولی هردوی این‌ها زمان و فضا را در جامعه دگرگون کرده‌اند و زیرا پیدایش و سائل از قبیل رادیو، تلگراف، تلفن، تلویزیون و اشتراک مساعی عمیقی را از مخاطب خویش طلب می‌کنند.»

۲. موارد دوم نقد مک لوهان، نسبت به ژنرال داوید سارنوف معتقد است که رسانه خود پیام نیست بلکه طرز استفاده از آن‌هاست که ارزش آن‌ها را مشخص می‌کند می‌گوید: ژنرال داوید سارنوف که صاحب‌عنوانی افتخاری از دانشگاه نتردام است چند سال پیش چنین گفت و ما بیش از حد بر آنیم تا وسایل تکنولوژیکی را که در اختیار داریم سپر بلای اشتباهات خودسازیم دستاوردهای علوم جدید به‌خودی‌خود زیان‌بخش یا مفید نیستند بلکه این طرز استفاده از آن‌هاست که ارزش آن‌ها را مشخص می‌کند اما این نظر درست نیست زیرا تصور اینکه مثلاً گفته شود سیب به‌خودی‌خود خوب یا بد نیست جز یک کوریبینی چیزی دیگری نیست زیرا در آن صورت نتیجه گرفته می‌شود که اگر از سلاح آتشین گلوله‌ای شلیک شود ک به قربانی خوبی اصابت کند. پس آن صلاح خوب است و اگر لاپ‌های تصویری کسانی را هدف می‌گیرند که موردنظرند پس مورد تأییدند واقعیت این است که حرف‌های سارنوف چندان هم ارزش مذاقه و تحلیل را ندارند. (مک لوهان، همان: ۹۰)

### دهکده جهانی

همان‌گونه که عصر ارتباط شفاهی و زندگی قبیله‌ای بر اثر توسعه خط الفبایی و صنعت چاپ از میان رفت، طبق نظریات «مک لوهان»، اکنون در سومی دوره زندگی اجتماعی انسان، عصر چاپ و زندگی فردگرایی نیز که نشای از برتری یافتن حس بینایی بر سایر حواس انسانی است، در برابر پیشرفت و گسترش و سایل ارتباطی الکترونیکی مانند رادیو، تلویزیون و سینما در حال زوال است.

مک لوهان معتقد است که رسانه این شیوه جدید ارتباطی، حس شنوایی را معتبر ساخته و رجعت به ادراک حسی را ضروری شمرده است در چنین شرایطی، جوامع نمی‌توانند از ارتباطی کتبی و چاپی صرف‌نظر کنند؛ ولی مسیر تحول طبیعی، طبعاً می‌بایست میان این دو نوع شیوه ارتباطی، امتداد مصنوعی پیدا کرده‌اند، نقش شفاهی و اشارات و حرکات را که از ویژگی‌های جامعه ابتدایی است، احیاء کند.

رسانه معتقد است، حضور «وسایل الکترونیکی، به ویژه تلویزیون و دستگاه‌های پیچیده محاسبه‌گر، سرانجام همه چیز را تغییر می‌دهند و دگرگون می‌کنند؛ حتی شهرها را... در زمانی نه چندان دور، حتی هم‌اکنون در بعضی نقاط جهان، دیگر شهری وجود ندارد، به هر بزرگراهی که وارد شویم، خبر از این می‌گیریم که گیرنده‌های تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، مثل لندن یا نیویورک در اختیار ما خواهند بود. دیگر شهرهای بزرگ با مشخصات خاص در اختیار ما خواهند بود.» به قول مک لوهان، در پرتو وسایل ارتباطی الکترونیک، چهره کار و زندگی اجتماعی دگرگون می‌شوند؛ جوامع و ملت‌ها به هم نزدیک می‌گردند و در نهایت، دهکده‌ای به پهنای کره ارض، پدید می‌آید که او آن را اصطلاحاً «دهکده جهانی» می‌نامد.

وی با توجه به تغییرات اساسی نظام‌های ارتباطی، اشکال و مراحل سه‌گانه متوالی زندگی اجتماعی را چنین ترسیم می‌کند:

#### دوره

۱. قبیله‌ای - شفاهی.
۲. قبیله زدایی - مکانیکی (ماشینی).
۳. قبیله‌ای شدن مجدد - الکترونیکی.

در دوره اول، پیام‌ها از طریق بیان شفاهی و دریافت سمعی منتقل می‌شود. به این دلیل و فرد بی‌واسطه در محیط طبیعی خویش قرار دارد و خود را با گروه اجتماعی خویش پنی قبیله، ادغام می‌کند.

در دوره دوم، پیام از طریق چاپ و نوشتار و دریافت بینایی منتقل می‌شود. لذا حس غالب، حس بینایی است. در این عصر، ارتباطات از حالت رو در رو و صمیمانه خارج و به واسطه مجاری ارتباطی جدید یعنی کتاب و مطبوعات میسر می‌شود. شیوة ارتباطی مکتوب باعث جدایی انسان از محیط پیرامون و گره اجتماعی خویش یعنی قبیله می‌شود.

در دوره سوم، پیام‌ها از طریق وسایل ارتباطی الکترونیکی (رادیو و تلویزیون) منتقل می‌شوند. وجه مشخصه فرهنگ مبتنی بر رسانه‌های الکترونیک، کسب اعتبار مجدد بیان شفاهی است و از این جهت نوعی رجعت به وضع جامعه ابتدایی فاقد کتابت به شمار می‌رود، البته با تفاوتی آشکار. به نظر مک لوهان این امر رجعتی است به نظام قبیله‌ای، منتها در یک سطح جهانی. دهکده جهانی، قبیله‌ای شدن مجدد زندگی بشر و غلبه حس شنوایی تحت تأثیر رسانه‌های الکترونیک است.

واژه‌ی دهکده جهانی از نام یکی از کتاب‌های "هربرت مارشال مک لوهان" ۱۹۸۰-۱۹۱۱ به نام "جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی" گرفته شده که در سال ۱۹۶۸ منتشر شد. این کتاب دربردارنده‌ی یک نظریه اجتماعی تازه بود.

مک لوهان فیلسوف و جامعه‌شناس مشهور ژاپنی‌الاصل و تبعه‌ی کانادا است. او در سال ۱۹۱۱ در ادمونتول کانادا چشم به جهان گشود و پس از پایان تحصیلات مهندسی، به ادبیات عصر الیزابت، علاقمندی نشان داد و رساله‌ی دکترای خود را در آن زمینه نوشت. او از اساتید دانشگاه تورنتو بود. (سید محمد دادگران، مبانی ارتباطات جمعی، ص ۸۹)

مک لوهان تا پایان حیاتش یعنی ۱۵ سال بعد همواره به دهکده‌ی جهانی اشاره می‌کرد و می‌گفت «اکنون دیگر کروی زمین، به وسیله‌ی رسانه‌های جدید، آن قدر کوچک شده که ابعاد یک دهکده را یافته است» (مک لوهان، مارشال؛ برای درک رسانه‌ها، سعید آذری، ۱۳۷۷: ۱۷۲) مک لوهان با مقایسه‌ی دهکده‌ی فرضی خود، با دهکده‌ی سنتی می‌گفت: «همان‌گونه که در این دهکده سنتی، روابط انسان‌ها بیش‌تر حالت بین‌فردی دارد، در دهکده‌ی جهانی نیز با وجود رسانه‌های جدید، روابط بین انسان‌ها در همه جا حالت رابطه‌ای بین‌فردی خواهد یافت و در حد روابط افراد یک دهکده کوچک خواهد بود.» (همان، ۲۹۸)



## اندیشه مک‌لوهان

مک‌لوهان معتقد است که "جوامع"، بیش‌تر در اثر ماهیت وسایل ارتباطی شکل گرفته‌اند تا در نتیجه‌ی محتوای آن. به عقیده‌ی او، وسیله نه تنها از محتوای پیام خود جدا نیست، بلکه به مراتب، مهم‌تر از خود پیام نیز هست و بر آن تأثیری چشم‌گیر دارد.

به نظر مک‌لوهان چنانچه خطوط اصلی تاریخ تمدن بشری را از آغاز تاکنون مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که تاریخ از سه مرحله‌ی متوالی می‌گذرد و هرکدام از آن‌ها، تحت سلطه‌ی مجموعه‌ای از رسانه‌های جمعی است. مک‌لوهان معتقد است که در هر دوره از تمدن، نظام ارتباطی خاصی حاکم است. این نظام ارتباطی افراد را وامی‌دارد تا متناسب با آن، حواس خود را شکل بدهند؛ یعنی برخی را گسترش و توسعه دهند و از برخی دیگر صرف‌نظر کنند.

### مراحل تحول جوامع انسانی از دیدگاه مک‌لوهان

از دیدگاه مک‌لوهان، جوامع انسانی طی سه مرحله تحول یافته‌اند. این سه مرحله عبارتند از:

۱. عصر ارتباط شفاهی و زندگی دودمانی و قبیله‌ای؛ ویژگی این نوع تمدن‌ها، برتری بیان شفاهی و دریافت شنیداری است. انسان در این دوره به گونه‌ای طبیعی از هر پنج حس خود استفاده می‌کند و در میان آن‌ها حس شنوایی برای ارتباط با دیگران که به گونه‌ای لفظی و شفاهی صورت می‌گیرد، طبعاً بیشتر از سایر حواس به کار می‌افتد. در این دوران که مک‌لوهان آن را دودمانی و قبیله‌ای می‌خواند، انسان در یک مجموعه‌ی هماهنگ و طبیعی می‌زیست و از این طریق، با گروه اجتماعی خویش یعنی قبیله، پیوند برقرار می‌کرد. در این محیط طبیعی، ادراک او به طور مستقیم از جهان خارج، به وسیله‌ی حواس طبیعی‌اش صورت می‌گرفت.

۲. عصر ارتباط کتبی و چاپی و جامعه‌ی فردگرا؛ با اختراع خط و کتابت، به ویژه الفبای

صوتی، توازن پیشین به هم خورد و برتری حس بینایی نسبت به حواس دیگر آشکار شد و از این طریق، محتوای تفکر بشر تغییر یافت. او معتقد است نوشته نیاز به نوعی تمرکز حواس و تعمق شخصی دارد و از این جهت مستلزم نوعی انزواجویی و جدایی از جمع است و با زندگی قبیله‌ای گذشته منافات دارد و در نهایت، موجب انهدام نظام قبیله‌ای و پیدایی فردگرایی، نخبه‌گرایی و ناسیونالیسم می‌شود؛ که تا دوران چاپ و عصر گوتنبرگ ادامه می‌یابد. با اختراع چاپ بود که حقیقتاً دوران تمدن بصری آغاز شد؛ که می‌توان آن را "کهکشان گوتنبرگ" نامید کهکشان گوتنبرگ، شامل مجموعه‌ی پیچیده‌ای از پدیده‌های فرهنگی است که در اثر اختراع گوتنبرگ پدید آمده است.

۳. عصر ارتباط الکترونیک و دهکده جهانی؛ این دوره از تمدن انسانی با اختراع رادیو توسط مارکنی شروع می‌شود. طبق نظریات مک‌لوهان، اکنون در سومین دوره‌ی زندگی اجتماعی انسان، عصر چاپ و زندگی فردگرایی نیز که ناشی از برتری یافتن حس بینایی بر سایر حواس انسانی است. در برابر پیشرفت و گسترش و سایل ارتباطی الکترونیکی مانند رادیو، تلویزیون و سینما در حال زوال است. این شیوه‌ی جدید ارتباطی، حس شنوایی را معتبر ساخته و رجعت به ادراک حسی را ضروری شمرده است. (محمد دادگران، ۹۶)

مک‌لوهان دنیای امروز را دنیای الکترونیک می‌داند و معتقد است: محیط الکترونیکی عصر حاضر، فضای قدیمی تصویری را که سال‌هاست به آن خو گرفته‌ایم، نامطبوع و بدون ارزش خواهد ساخت. در دنیای الکترونیک حوادث، اشیاء و موجودات در یکدیگر فرو می‌روند، با یکدیگر رابطه پیدا می‌کنند، جدایی‌ها از بین می‌رود، تمایزات فراموش می‌گردد، شباهت‌ها خودنمایی می‌کند و بدین ترتیب محیط جدید به وجود می‌آید؛ محیطی که می‌توان آن را یک "دهکده‌ی جهانی" نام گذاری کرد. یک دهکده‌ی بزرگ جهانی که خصوصیات قبیله‌ای را در مقیاس وسیع‌تر محفوظ می‌دارد. (ابراهیم رشیدپور، آینه‌های جیبی آقای مک‌لوهان، ۱۳۵۴: ۸)

مک‌لوهان معتقد بود که رسانه‌های جدید باعث به‌وجود آمدن پدیده‌ی جهش

اطلاعات خواهند شد. او می‌گفت: اطلاعاتی که انسان‌ها نیاز خواهند داشت، از چهار گوشه‌ی جهان و با سرعت فراوان در اختیارشان قرار خواهد گرفت (به این ترتیب) جهان بزرگ، روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شود و انسان‌ها چه بخواهند و چه نخواهند، گویی در یک قبیله‌ی جهانی یا یک "دهکده‌ی جهانی" زندگی می‌کنند. چنین وضعیتی را امکانات الکترونیک فراهم خواهند کرد. (همان، ۴۳)

۳-۱ محسنیان‌راد ضمن تصدیق دهکده‌ی جهانی مورد نظر مک لوهان را می‌کند و معتقد است: شکل‌گیری دهکده‌ی جهانی، آنگونه که مک لوهان تجسم می‌کرد با ایجاد اولین وب سرویس در سال ۱۹۹۰، تأسیس شبکه تلویزیونی جهانی سی.ان.ان در ۱۹۹۱ و ایجاد وب سایت یاهو در ۱۹۹۳ آغاز شد. ضمن آن‌که قبل از آن تاریخ، نخستین تجربه‌های پوشش با ماهواره‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی، به‌وقوع پیوسته بود. او در خصوص تغییر نام دنیای جدید می‌گوید: اندیشمندان ارتباطات از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، شاید چون اصطلاح دهکده‌ی جهانی، ناظر بر انجام عملی نبود، از فعل جهانی شدن استفاده کرده و ابزار آن را نیز فناوری اطلاعاتی-ارتباطاتی، نامیدند. (مهدی محسنیان‌راد، ایران در چهار کهکشان ارتباطی، ۱۳۸۴: ص ۱۷۰۹)

### نظریات مک لوهان در باب رسانه گرم و رسانه سرد

مک لوهان وسایل ارتباط جمعی را از نظر حرارتی به دو قسم تقسیم می‌کند ۱ سردی ۲ گرم او تفاوت اصلی میان رسانه‌های گرمی چون سینما با انسان‌ها سردی مانند تلفن، یا تلویزیون را در حساسیت می‌داند مقصود او از حساسیت ارائه هرچه بیشتر داده‌هاست بر مخاطب بنابراین طبق نظر ایشان وسایل سرد از حساسیت بالای بر خوار دار است برخلاف وسایل گرم از لحاظ اینکه رسانه‌هایی گرم از نظر مشارکت یا بین و رسانه‌های سرد مشارکت یا تکمیل موضوع به‌وسیله مخاطب بالا هستند رسانه سرد خصوصاً تلویزیون حس‌های ما را دوباره مرتبط می‌سازد و ما را در دهکده جهانی به هم می‌رساند از دید مک لوهان دهکده جهانی با سازهایی حرفه‌ای دهکده باستانی است که به‌وسیله رسانه‌هایی چاپی از هم

گسیخت به بیان دیگر تمرکز مک‌لوهان بر روی فن‌آوری، او را به سوی تفاوت قائل شدن بین رسانه‌های گرم و سرد در زبان رایج در دهه‌ای ۱۹۶۰، هدایت کرد به نظر مک‌لوهان تأثیر رسانه، به ویژه رسانه جدید، بستگی به ماهیت فرهنگی رسانه‌های متداول دارد برای مثال، او می‌گوید فرهنگ قبیله‌ای به وسیله آشنایی ابتدایی با رسانه‌های گرم همانند رادیو و چاپ واژگون شده است رسانه سرد، رسانه‌ای است که مشارکت زیادی را از ناحیه مخاطب. (سید محمد دادگر مبانی ارتباطات جمعی، ۱۳۸۵: ۹۲)

مصادیق رسانه گرم و سرد از منظر مک‌لوهان بدین قرار است

مک‌لوهان رسانه‌های سرد را چنین برمی‌شمرد: ۱. تلویزیون ۲. تلفن ۳. کارتون ۴. سمینار و جلسات بحث و گفتگو ۵. نوشته‌های ایدئوگرافیک ۶. داستان‌های مصور ۷. کلام انسان.

رسانه‌های گرم نیز عبارتند از: ۱. رادیو ۲. کتاب ۳. عکس ۴. مطبوعات ۵. ضبط صوت ۶. سینما و فیلم.

### نقد مک‌لوهان از منظر دانشمندان رسانه

۱\_ ویلیام نسبت به اندیشه و نظرات مک‌لوهان اعتراض می‌کند که چرا مک‌لوهان نسبت به رسانه‌ها این قدر خوش‌بین است مک‌لوهان معتقد است که با شکستن موانع، زمان و مکان میان مردمان و ملت‌ها به وسیله رسانه‌ها یک خانواده جهانی خلق کرده‌اند که در آن تفاوت‌ها از بین می‌رود محو می‌شود جای خودش را به اشتراک می‌دهد.

خلاصه نظریه مک‌لوهان: از دید کوین ویلیامز به قرار ذیل است:

۱. مک‌لوهان معتقد است که رشد رسانه‌های جهانی و تکنولوژی‌های جهانی را یک امر مثبت و ثمربخش می‌دید ارتباط الکترونیکی در حال تولید محیطی هستند که در آن مردم در قبال یکدیگر مسئولیت دارند.

۲. مک لوهان به این باور است که همان طور که تعداد بیشتر از مردم می توانند صدای خود را به گوشی بقیه رسانند درک بین المللی گسترش پیدا می کند و از میزان اختلافات کاسته می شود.

۳. از نظر مک لوهان اگر اطلاعات بیشتری در دسترسی مردم باشد همکاری تقویت می شود و تضادها و بدجنسی ها کاهش پیدا می کند.

۴. مک لوهان رسانه های جهانی به عنوان یک نیروی آزادی بخش تقویت کننده برابری و دموکراسی عام می نگریست.

ویلیامز نسبت به اندیشه مک لوهان چند مورد را به عنوان اعتراض ذکر می کند

۱- در دهکده جهانی توزیع نابرابری سخت افزار و نرم افزارهای اطلاعاتی وجود دارد به عنوان مثال ۷۵ درصد از خطوط تلفن در نه کشور واقع شده اند در حالی که کمتر از ده درصد از ترافیک تلفنی، تلکسی و تلگرافی در آسیا، آفریقا و آمریکایی لاتین با جمعیت حدود دوسوم جمعیت کره زمین اتفاق می افتد.

۲- در دهکده جهانی مبادله افکار هم برابر نیست، ارزش ها سبک زندگی و تولیدات غربی مخصوصاً نوع آمریکایی آن دارای وجهی غالب اند بند به عنوان مثال انگلیسی زبان جهانی طرفدار دارند، نهایتاً کنترل رسانه ها و صنایع ارتباطی در دستان عده معدودی از شرکت های بزرگ باقی مانده است بنابراین مفهوم مک لوهان از دهکده جهانی به این دلیل مورد انتقاد قرار گرفته که همه صداها و نظر رات در آن دهکده به یک اندازه شنوده نمی شوند، برخی ارزش ها و سبک های زندگی در این دهکده بیشتر مورد پذیرش قرار می گیرند کشورهای غربی و مخصوصاً آمریکا به عنوان حاکمان دهکده جهانی و کنترل کننده جریان اطلاعاتی و تولیدات تفریحی در سراسر کره زمین شناخته می شوند رشد توده ای رسانه های جهانی ناعادلانه نابرابر است. (هامولف کوین ویلیامز، کتاب فهم نظریه رسانه، ۱۳۹۲: ۳۳۷)

۲- دکتر سید محمد دادگران معتقد است که مک‌لوهان اندیشه‌اش نسبت به رسانه افراطی است در کتاب مبانی ارتباطات جمعی می‌گوید: مک‌لوهان با دیدگاه افراطی مدعی است که شیوه ارتباط یا روش انتقال معلومات و انتشار پیام نه تنها در رفتار و تصورات انسان مؤثر است بلکه در سیستم اعصاب و ادراکات حسی او نیز نقش تعیین‌کننده دارد او پارا از این حد فراتر می‌گذارد تا آنجا که می‌گوید وسایل ارتباط جمعی که عامل انتقال فرهنگ است تأثیری شگرف بر خود فرهنگ دارد او این نظرا با جمله در «وسیله پیام است» مطرح کی کند و آن را عنوان یکی از فصل‌های کتاب خود قرار می‌دهد و در آثارش با طور مکرر به آن اشاره دارد مک‌لوهان معتقد است که جوامع بیشتر در اثر ماهیت وسایل ارتباطی شکل گرفته‌اند تا در نتیجه محتوای مرتبط به عقیده مک‌لوهان وسیله نه تنها نه تنها از محتوای پیام بود جدا نیست، بلکه به مراتب مهم‌تر از خود پیام نیز هست و بر آن تأثیری چه شمیگر دارد اینجا این پرسش اساسی مطرح می‌شود که «هنگام پیدایی یک تکنیک جدید فرهنگ موجود فرهنگ مرحله قبلی است و بدین ترتیب همان فرهنگ قدیم به عنوان محتوای وسیله ارتباطی جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد برای مثال هنگام پیدایی خط پیام‌های قابل انتقال به دیگران افسانه‌ها یا شایعاتی هستند که در شرایط فرهنگ خاص تمدن کهنه عصر ارتباط شفاهی پدید آمده‌اند و جز و آن‌ها چیزی برای انتقال به افراد وجود ندارد البته مک‌لوهان این تناقض را انکار نمی‌کند بلکه در نظام فکری خود آن می‌پذیرد و...» (سید محمد دادگران مبانی ارتباطات جمعی، ۱۳۸۵: ۹۰)

ایشان در کتاب مزبور این‌گونه بیان می‌کند که در سرا سر کره زمین شناخته می‌شوند رشد توده‌های رسانه‌های جهانی ناعادلانی برخی ارزشی‌ها و سبک‌های زندگی در این دهکده بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرند کشورهای غربی و مخصوصا امریکا به عنوان حاکمان دهکده جهانی و کنترل‌کننده جریان اطلاعاتی و تولیدات تفریحی و نابرابر است.

دکتر دادگران در همین کتاب صفحه ۹۶ می‌فرماید: «مک‌لوهان عقیده دارد که وسایل ارتباطی الکترونیکی که از اواخر قرن نوزدهم با اختراع رادیو به وسیله مارکنی به زندگی انسان

وارد شده‌اند سرانجام و سیله‌ای برای نجات بشر از بردگی ماشین هستند به نظر او عصر الکترونیک یا رنج‌ها، اضطراب‌ها دشمنی‌ها کشمکش‌ها و تعارض‌هاست.»

پیدا است که این دیدگاه‌های مک‌لوهان با تخیلات غیرعلمی آمیخته است و با واقعیت موجود فاصله زیاد دارد شایان ذکر است که دادگران در جای جای این کتاب با اندیشه مک‌لوهان متعرض است فی‌المثل در بخشی از گفتارش در صفحه ۹۸ این کتاب اشاره می‌کند می‌گوید بنابراین نظرات مک‌لوهان اگرچه در بعضی از حوزه‌ها روشنگر و بیان‌کننده مسائل تازه‌ای است ولی به دلیل ستایش اغراق‌آمیزی که از وسایل ارتباطی و فنون بخش به عمل می‌آورد انتقادات بسیاری متوجه خود می‌سازد.

این بود بخش از انتقاد دادگران نسبت به اندیشه و رویکرد مک‌لوهان در عالم رسانه‌ای است به نظر می‌رسد مک‌لوهان نیز در کتاب مذکور معتقد است که وسیله پیام است بلکه پا را فراتر می‌گذارد می‌گوید بلکه در حقیقت و در عمل واقعی عبارت از خود وسیله پیام‌رسانی یا رسانه است.

نقد وارد بر مک‌لوهان از دیدگاه دکتر مهناز امیرپور شفیع بهرامیان به شرح زیر است:

۲-۳ تحولات تاریخی و پیدایش رسانه جدید باعث از بین رفتن رسانه‌های قدیمی نمی‌شود.

۳-۳ پیدایش جامعه آرمانی یا دهکده جهانی مک‌لوهان در وضعیتی است که ماهیتاً با نظام قبیله‌ای نخست متفاوت است در اینجا تسلط شرکت‌ها و انحصارات جدید در رسانه‌ها جایی برای صمیمیت و ارتباطاتی برابر باقی نمی‌گذارد. (مهناز امیرپور شفیع بهرامیان، مبانی کلی نظریه‌های ارتباط جمعی، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

## نتیجه‌گیری

از مطالب گذشته به نتایج زیر می‌توان رسید:

۱. از نظر مک‌لوهان (پیام خود رسانه است) یعنی پیام بخش از رسانه است میان پیام و رسانه تفاوت وجود ندارد بلکه وسیله نه تنها از محتوای پیام خوب جدا نیست بلکه مهمتر از خود پیام نیز هست و بر آن تأثیری چشمگیری دارد.
۲. از نظر او جهان به وسیله رسانه به یک دهکده جهانی تبدیل می‌شود.
۳. به عقیده او رسانه‌های همه حسی را سرد و رسانه‌های تک حسی را گرم می‌داند.
۴. مک‌لوهان نسبت به تحولات تکنولوژی یک رسانه‌ها دیدگاه کاملاً خوش بینانه‌ای دارد و امیدوار است که با پیشرفت‌های فنی بیشتر به یک جامعه آرمانی دست پیدا کند که در آن همگان همه چیز را بدانند تحقق این امر از نظر او با رسانه‌های جمعی امکان پذیر است.
۵. او معتقد است به نقش تأثیر ارتباط و تکنولوژی است.
۶. مک‌لوهان تکنولوژی را کم‌دی الهی می‌داند.
۷. تحلیل کلی نظریه‌های مک‌لوهان:
- ۱-۷. عصر ارتباط شفاهی و زندگی دودمانی و قبیله‌ای.
- ۲-۷. عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه فرد گرا.
- ۳-۷. عصر ارتباط الکترونیک و دهکده جهانی

البته ناگفته نماند انتقادهای از سوی برخی از دانشمندان نسبت به اندیشه مک‌لوهان

ثبت شده است.



## منابع

## قرآن

۱. اصحاب حبیب زاده ملکی، رسانه‌شناسی، نشر جامعه‌شناسان، ۱۳۹۴.
۲. امیرپور شفیع بهرامیان، مهناز، مبانی کلی نظریه‌های ارتباط جمعی، انتشارات شابک، ۱۳۹۲.
۳. آریان‌پور، منوچهر، فرهنگ پیشرو، تهران، جهان‌رایانه، ۱۳۷۷.
۴. دادگران، سیدمحمد، مبانی ارتباطات جمعی، انتشارات مروارید، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
۵. رشیدپور، ابراهیم؛ آینه‌های جیبی آقای مک‌لوهان، تهران، دفتر انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران (سروش)، ۱۳۵۴.
۶. کوین ویلیامز، کتاب فهم نظریه رسانه، شابک، چ اول، ۱۳۹۲.
۷. محسنیان‌راد، مهدی؛ ایران در چهار کهکشان ارتباطی، تهران، سروش، ۱۳۸۴.
۸. مک‌لوهان، برای درک رسانه، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷.
۹. مهدی‌زاده، محمد، نظریه‌های رسانه‌اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران، انتشارات همشهری، ۱۳۸۹.